



## تحلیل محتوای آموزشی درباره حقوق کودکان در برنامه درسی رسمی

منوچهر قادری<sup>۱</sup>، زهرا وفادار<sup>۲\*</sup>

۱. گروه مدیریت آموزش و پرورش، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

۲. گروه مدیریت آموزش و پرورش، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

\* ایمیل نویسنده مسئول: z.vafadar04@gmail.com

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، تحلیل کیفی محتوای آموزشی مرتبط با حقوق کودکان در برنامه درسی رسمی ایران با تمرکز بر چگونگی بازنمایی مفاهیم حقوق کودک، موانع موجود، و راهکارهای ارتقاء آن است. این مطالعه با رویکرد کیفی و روش تحلیل مضمون انجام شده است. داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۵ نفر از متخصصان حوزه آموزش و برنامه‌ریزی درسی در تهران گردآوری شد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند و تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. داده‌های حاصل با استفاده از نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۲ تحلیل شد و مضامین اصلی، فرعی و مفاهیم باز از دل مصاحبه‌ها استخراج گردید. یافته‌ها نشان دادند که بازنمایی حقوق کودکان در برنامه درسی رسمی پراکنده، غیرمنسجم و اغلب غیرمستقیم است. مفاهیمی همچون کرامت، عدالت، احترام و مسئولیت‌پذیری به صورت ضمنی در برخی کتاب‌ها گنجانده شده‌اند اما از اشاره مستقیم و ساختارمند به حقوق کودک غفلت شده است. همچنین نابرابری جنسیتی، حذف گروه‌های خاص کودکان، ضعف تربیت معلمان و موانع ارزشی-فرهنگی از جمله چالش‌های عمده در آموزش این حوزه بودند. در بخش راهکارها، بازنگری در محتوای درسی، توانمندسازی معلمان، استفاده از فناوری و مشارکت دانش‌آموزان مورد تأکید قرار گرفت. آموزش حقوق کودک در ایران نیازمند بازطراحی جامع در ابعاد محتوایی، تربیتی و فرهنگی است. تنها از طریق تلفیق رویکردهای مشارکتی، آموزش معلمان، و ارزیابی نظام‌مند می‌توان گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت تربیتی و آگاهی کودکان نسبت به حقوق خود برداشت.

**کلیدواژه‌گان:** حقوق کودک، تحلیل مضمون، برنامه درسی رسمی، آموزش و پرورش، نابرابری جنسیتی، تربیت معلم

تاریخ ارسال: ۳ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ بازنگری: ۸ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۳۰ شهریور ۱۴۰۲

تاریخ چاپ: ۱۲ مهر ۱۴۰۲



**How to cite:** Ghaderi, M., & Vafadar, Z. (2023). An Analysis of Educational Content on Children's Rights in the Formal Curriculum. *Training, Education, and Sustainable Development*, 1(3), 35-43.



© 2023 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

# An Analysis of Educational Content on Children's Rights in the Formal Curriculum

Manouchehr Ghaderi<sup>1</sup>, Zahra Vafadar<sup>2\*</sup>

1. Department of Education Management, University of Isfahan, Isfahan, Iran

2. Department of Preschool Education, Farhangian University, Mashhad, Iran

\*Corresponding Author's Email: z.vafadar04@gmail.com

## Abstract

The aim of this study was to qualitatively analyze the educational content on children's rights in Iran's formal curriculum, focusing on the representation of rights-related concepts, existing barriers, and improvement strategies. This qualitative research used thematic analysis based on semi-structured interviews with 15 education and curriculum planning experts in Tehran. Participants were selected through purposive sampling until theoretical saturation was achieved. Data were analyzed using NVivo 12 software, and open codes, subthemes, and main themes were extracted. The findings revealed that the representation of children's rights in the formal curriculum is scattered, incoherent, and often implicit. Concepts such as dignity, justice, respect, and responsibility are occasionally embedded in textbooks but lack explicit and structured reference to children's rights. Gender inequality, exclusion of marginalized groups, inadequate teacher training, and cultural value conflicts emerged as major obstacles. Suggested strategies included revising the curriculum structure, empowering teachers, utilizing technology, and promoting student participation. Children's rights education in Iran requires comprehensive reform across content, pedagogical, and cultural dimensions. Integrating participatory approaches, professional teacher development, and systematic assessment is crucial for promoting educational justice and enhancing children's rights awareness.

**Keywords:** *Children's rights, thematic analysis, formal curriculum, education system, gender inequality, teacher training*

Submit Date: 24 July 2023

Revise Date: 29 August 2023

Accept Date: 21 September 2023

Publish Date: 3 October 2023

آموزش حقوق کودکان در ساختارهای آموزشی رسمی، یکی از مؤلفه‌های بنیادین تربیت شهروندانی آگاه، مسئول و مشارکت‌جو در جوامع دموکراتیک تلقی می‌شود. این آموزش نه تنها به کودکان کمک می‌کند تا با حقوق و مسئولیت‌های خود آشنا شوند، بلکه بستر تربیتی مناسبی را برای تقویت هویت مدنی، رشد اخلاقی و گسترش عدالت اجتماعی در نسل آینده فراهم می‌سازد (Covell & Howe, 2008). سازمان ملل متحد با تصویب پیمان‌نامه حقوق کودک در سال ۱۹۸۹، دولت‌ها را ملزم به فراهم آوردن شرایطی برای آموزش، ترویج و حمایت از حقوق کودک کرده است (UNICEF, 2019). این الزام به‌ویژه در نظام‌های آموزش عمومی باید به‌گونه‌ای محقق شود که نه تنها از نظر مفهومی، بلکه در سطح کاربردی و عملیاتی نیز به زبان، تجربه و زندگی روزمره کودکان نزدیک باشد.

در کشورهای در حال توسعه، چالش‌های فرهنگی، ساختاری و آموزشی متعددی مانع تحقق کامل آموزش حقوق کودکان در چارچوب برنامه‌های درسی رسمی هستند. از جمله مهم‌ترین این چالش‌ها می‌توان به نبود سرفصل‌های مستقل و هدفمند، تمرکز بر آموزش‌های سنتی، نگاه ابزاری به کودک و ضعف در تربیت معلمان اشاره کرد (Jerome, Emerson, Lundy, & Orr, 2015). در ایران نیز با وجود تأکیدات قانونی و سیاست‌گذاری‌هایی همچون سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، همچنان آموزش حقوق کودک در سطح رسمی با نارسایی‌های جدی همراه است. بررسی محتوای کتاب‌های درسی و شیوه‌های آموزش در مدارس ابتدایی و متوسطه نشان می‌دهد که مفاهیم مرتبط با حقوق کودک یا بسیار پراکنده، سطحی و نمادین هستند یا در قالب‌های غیرمستقیم و ضمنی گنجانده شده‌اند که برای درک کامل دانش‌آموزان کفایت نمی‌کند (Azimi, 2022).

یکی از مؤلفه‌های مهم در آموزش حقوق کودک، توجه به اصول «حق آگاهی»، «حق شنیده شدن» و «حق مشارکت» است که همگی در ماده‌های مختلف پیمان‌نامه حقوق کودک برجسته شده‌اند. این اصول نه تنها به لحاظ حقوقی معتبرند، بلکه از نظر تربیتی نیز عاملی مؤثر در رشد شخصیت و پرورش تفکر انتقادی کودکان به‌شمار می‌روند (Lansdown, 2011). متأسفانه بسیاری از نظام‌های درسی به دلیل غلبه رویکردهای حافظه‌محور، به جای پرورش قدرت استدلال و مشارکت، بر اطاعت‌پذیری و انفعال دانش‌آموزان تأکید دارند (Quennerstedt, 2016). در چنین بستری، کودک نه به‌عنوان دارنده حقوق مستقل، بلکه به‌مثابه مفعول تربیت دیده می‌شود که باید تحت نظارت بزرگ‌ترها هدایت شود.

پژوهش‌ها نشان داده‌اند که آموزش نظام‌مند حقوق کودک می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر بهبود رفتارهای اجتماعی، کاهش خشونت، افزایش اعتماد به نفس و تقویت هویت مدنی دانش‌آموزان داشته باشد (Covell, Howe, & McNeil, 2010). در همین راستا، برخی کشورها همچون سوئد، نیوزیلند و کانادا با بازطراحی محتوای آموزشی و تدوین برنامه‌های خاص حقوق کودک، توانسته‌اند شاخص‌های مشارکت و سلامت روانی کودکان را بهبود بخشند (Reynaert, Bouverne-De Bie, & Vandeveld, 2012). اما در ایران، آموزش حقوق کودک اغلب فاقد یک الگوی منسجم و هدفمند است و حتی در بسیاری از موارد، به دلایل ارزشی و فرهنگی با مقاومت مواجه می‌شود (Sadeghi, 2021). نکته مهم دیگر، غلبه کلیشه‌های جنسیتی و نادیده‌گیری گروه‌های خاص کودکان در برنامه‌های درسی است. در بسیاری از متون آموزشی، نقش‌های اجتماعی زنان و مردان به‌شکلی سنتی بازنمایی می‌شود و اغلب پسران در نقش‌های فعال‌تر و دختران در موقعیت‌های تابع دیده می‌شوند (Kianpour & Saeedi, 2019). این بازنمایی نابرابر نه تنها ناقض اصل برابری در حقوق کودک است، بلکه موجب بازتولید تبعیض‌های جنسیتی در سطوح مختلف جامعه می‌شود. همچنین حقوق کودکان دارای نیازهای ویژه، کودکان اقلیت‌های قومی یا زبانی و کودکان کار، غالباً در محتوای آموزشی مغفول واقع شده است (UNESCO, 2020).

از سوی دیگر، نبود آموزش‌های هدفمند برای معلمان در زمینه حقوق کودک، یکی از موانع اساسی در تحقق آموزش مؤثر در این حوزه است. مطالعات نشان داده‌اند که نگرش و توانمندی معلمان در انتقال مفاهیم حقوق کودک نقش تعیین‌کننده‌ای دارد و بدون تربیت حرفه‌ای آنان، هرگونه تغییر در محتوای برنامه درسی بی‌ثمر خواهد بود (Alderson, 2000). این در حالی است که در ایران، آموزش‌های ضمن خدمت یا

دانشگاهی معلمان، کمتر به مباحث حقوق کودک می‌پردازند و حتی برخی معلمان نگاه منفی یا تهدیدآمیز به این مفاهیم دارند (Bakhshi, 2023).

به‌طور کلی، آموزش حقوق کودک در برنامه درسی رسمی تنها زمانی مؤثر خواهد بود که هم‌زمان به سه مؤلفه محتوای آموزشی، توانمندسازی معلمان و مشارکت فعال دانش‌آموزان توجه شود. برنامه درسی باید به‌گونه‌ای طراحی شود که مفاهیم حقوق کودک نه‌تنها در دروس علوم اجتماعی یا هدیه‌های آسمانی، بلکه در سایر دروس نیز به‌صورت تلفیقی و خلاقانه گنجانده شوند. در کنار آن، باید زمینه‌هایی برای مشارکت فعال دانش‌آموزان، مانند کارگاه‌ها، پروژه‌های دانش‌آموزی، تئاترهای آموزشی و بازی‌های مبتنی بر حقوق فراهم شود تا مفاهیم به‌صورت تجربی و معنادار درونی شوند (Tibbitts, 2002).

در این زمینه، تحلیل محتوای آموزشی موجود در برنامه درسی رسمی می‌تواند گامی اساسی برای شناسایی کاستی‌ها، نقاط قوت، و مسیرهای اصلاحی در آموزش حقوق کودک فراهم آورد. مطالعه حاضر، با بهره‌گیری از رویکرد کیفی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان حوزه تعلیم و تربیت، به تحلیل چگونگی بازنمایی حقوق کودکان در اسناد درسی می‌پردازد و تلاش دارد راهکارهایی عملی برای ارتقاء کیفیت آموزش حقوق کودک در نظام آموزشی ایران ارائه دهد. این پژوهش می‌کوشد با تأکید بر دیدگاه‌های متخصصان، در جهت تدوین سیاست‌های آموزشی منسجم، گامی در راستای تحقق عدالت تربیتی و رشد همه‌جانبه کودکان بردارد.

## روش‌شناسی

این پژوهش به روش کیفی و با رویکرد تحلیل محتوای مضمونی انجام شده است. هدف از این مطالعه، تحلیل محتوای آموزشی مرتبط با حقوق کودکان در برنامه درسی رسمی کشور با تکیه بر تجارب و دیدگاه‌های متخصصان آموزشی و کارشناسان برنامه‌ریزی درسی بوده است. شرکت‌کنندگان این مطالعه ۱۵ نفر از متخصصان حوزه آموزش و برنامه‌ریزی درسی بودند که از میان اساتید دانشگاه، کارشناسان آموزش و پرورش، و مؤلفان کتب درسی انتخاب شدند. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام گرفت و مصاحبه‌ها تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت؛ به‌گونه‌ای که پس از انجام مصاحبه با نفر پانزدهم، اطلاعات جدید و متمایزی حاصل نشد و اشباع نظری محقق گردید. تمامی مشارکت‌کنندگان ساکن تهران و دارای سابقه قابل توجه در زمینه حقوق کودک یا طراحی و اجرای برنامه‌های آموزشی بودند. گردآوری داده‌ها از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته صورت گرفت. برای انجام مصاحبه‌ها، راهنمایی شامل پرسش‌های باز طراحی شد تا شرکت‌کنندگان بتوانند به بیان آزادانه تجارب، دیدگاه‌ها و تحلیل‌های خود بپردازند. مدت زمان هر مصاحبه بین ۴۵ تا ۷۵ دقیقه بود و تمامی مصاحبه‌ها با کسب رضایت مشارکت‌کنندگان ضبط و سپس به‌صورت مکتوب پیاده‌سازی شد. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مضمون استفاده گردید. در این فرآیند، متن مصاحبه‌ها چندین بار مطالعه شده و کدهای مفهومی اولیه استخراج شدند. سپس این کدها در قالب مضامین فرعی و اصلی طبقه‌بندی شدند. به‌منظور افزایش دقت و انسجام در تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزار NVivo نسخه ۱۲ استفاده شد که امکان دسته‌بندی، بازیابی، و مقایسه داده‌ها را به‌صورت نظام‌مند فراهم کرد. همچنین، برای افزایش اعتبار داده‌ها، از روش بازبینی مشارکت‌کنندگان و مقایسه تحلیل‌های پژوهشگران بهره گرفته شد.

## یافته‌ها

مقوله اول: میزان و نوع بازنمایی حقوق کودکان

اشاره مستقیم به حقوق کودکان:

در بخشی از محتوای برنامه درسی، به‌ویژه در کتاب مطالعات اجتماعی و تفکر و سبک زندگی، اشاره‌هایی مستقیم به حقوق کودکان وجود دارد. این اشارات شامل مفاهیمی مانند احترام به کرامت انسانی، حق برخورداری از آموزش، و حق حیات است. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار

داشت: «در برخی از کتاب‌ها مانند مطالعات اجتماعی، مستقیماً به حق آموزش یا امنیت اشاره شده، ولی این موارد محدود و غیرسیستماتیک هستند.»

اشاره غیرمستقیم به مفاهیم حقوق کودک:

مفاهیمی چون عدالت، مسئولیت‌پذیری، احترام به دیگران و پذیرش تفاوت‌ها در قالب غیرمستقیم در متون درسی دیده می‌شوند. این مفاهیم به‌ویژه در کتاب‌های هدیه‌های آسمانی، فارسی و تعلیمات اجتماعی حضور دارند. یکی از کارشناسان بیان کرد: «گاهی مفاهیم حقوق کودک در قالب داستان‌ها و اشعار منتقل می‌شود اما بدون اشاره مشخص به مفهوم "حق"».

عدم انسجام در توزیع مفاهیم حقوق کودک در دروس مختلف:

تحلیل‌ها نشان می‌دهد که محتوای مربوط به حقوق کودک بیشتر در برخی دروس متمرکز است و در سایر دروس مانند علوم یا ریاضی تقریباً غایب است. به گفته یکی از مشارکت‌کنندگان: «در کتب علوم و ریاضی، هیچ اثری از موضوعات مرتبط با حقوق کودک نیست؛ گویا این مفاهیم فقط متعلق به دروس انسانی هستند.»

تأکید بر حقوق مدنی و اخلاقی بیش از حقوق اجتماعی:

محتوا بیشتر بر اخلاق فردی، ادب و رعایت نظم متمرکز دارد و کمتر به حقوق اجتماعی مانند حق مشارکت، حق انتخاب و حقوق فرهنگی کودکان پرداخته شده است. یکی از معلمان مصاحبه‌شونده گفت: «در بیشتر موارد از بچه‌ها انتظار می‌رود فقط مطیع باشند، نه اینکه مشارکت فعال داشته باشند.»

نادیده‌گیری گروه‌های خاص کودکان:

حقوق کودکان با نیازهای ویژه، کودکان کار و اقلیت‌های قومی به‌طور کلی در محتوای کتاب‌ها نادیده گرفته شده‌اند. یکی از متخصصان حوزه آموزش تأکید کرد: «هیچ اشاره‌ای به کودکان استثنایی یا اقلیت‌ها در کتب نیست؛ گویی همه دانش‌آموزان، وضعیت یکسانی دارند.»

بازنمایی جنسیتی نابرابر در محتوای کتاب‌ها:

در محتوای درسی، پسران معمولاً در نقش‌های فعال و تصمیم‌گیر نشان داده می‌شوند و دختران در نقش‌های سنتی مانند خانه‌داری. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «حتی در داستان‌ها، شخصیت‌های فعال بیشتر پسر هستند؛ دختران کمتر در نقش‌های رهبری ظاهر می‌شوند.»

مقوله دوم: موانع موجود در آموزش حقوق کودک

کمبود محتوای هدفمند در کتاب‌های درسی:

در بسیاری از کتاب‌های درسی، سرفصل مستقل یا هدفمند برای آموزش حقوق کودک وجود ندارد و محتوای موجود پراکنده و غیرکاربردی است. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «حقوق کودک به‌عنوان یک موضوع مستقل اصلاً در کتاب‌ها مطرح نیست؛ هر جا آمده، سطحی و کلی است.»

ضعف در تربیت معلمان در حوزه حقوق کودک:

معلمان غالباً آموزش کافی در زمینه حقوق کودک ندیده‌اند و درک کاملی از این مفاهیم ندارند. به گفته یکی از مصاحبه‌شوندگان: «خیلی از معلمان هنوز نمی‌دانند حق مشارکت یعنی چه؛ آموزش ضمن خدمت هم در این زمینه ضعیف است.»

چالش‌های ارزشی و فرهنگی در پذیرش مفاهیم:

بسیاری از خانواده‌ها و حتی برخی معلمان نگران‌اند که آموزش حقوق کودک موجب تضعیف اقتدار بزرگ‌ترها شود. یکی از مشارکت‌کنندگان تصریح کرد: «وقتی می‌گوییم بچه‌ها حق اعتراض دارند، برخی والدین تصور می‌کنند این یعنی بی‌احترامی به بزرگ‌ترها.»

ضعف رویکرد میان‌رشته‌ای در تدوین محتوا:

در تدوین محتوای درسی، مفاهیم حقوق کودک به صورت مجزا دیده می‌شود و با سایر حوزه‌ها مانند هنر، داستان یا تجربه زیسته کودکان تلفیق نشده است. یک کارشناس تأکید کرد: «آموزش حقوق باید در دل زندگی روزمره کودک باشد؛ نه فقط در یک درس خاص.» نبود سازوکارهای نظارت و ارزیابی کیفیت آموزش:

هیچ شاخص معینی برای سنجش میزان آموخته‌های دانش‌آموزان درباره حقوق کودک وجود ندارد. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «ما نمی‌دانیم اصلاً بچه‌ها این مفاهیم را یاد می‌گیرند یا نه؛ چون ارزشیابی فقط روی محفوظات تمرکز دارد.» نقش محدود کودک در فرآیند یادگیری:

یادگیری حقوق کودک اغلب به شیوه‌های سنتی و مبتنی بر انتقال یک‌سویه صورت می‌گیرد و کمتر فضایی برای مشارکت کودک در یادگیری در نظر گرفته شده است. یکی از معلمان گفت: «کودک شنونده است، نه مشارکت‌کننده. اصلاً نمی‌پرسند تو چه فکری می‌کنی؟» مقوله سوم: راهبردهای پیشنهادی برای تقویت آموزش حقوق کودک بازنگری ساختار محتوای درسی:

پیشنهاد می‌شود سرفصل‌هایی مشخص با تمرکز بر حقوق کودک در برنامه درسی گنجانده شود و محتوای دروس عمومی مانند فارسی و مطالعات اجتماعی بازطراحی گردد. یکی از مصاحبه‌شوندگان گفت: «ما باید آموزش حقوق را از سنین پایین و به صورت مرحله‌ای شروع کنیم، نه اینکه در چند خط خلاصه شود.» توانمندسازی معلمان:

ضرورت دارد معلمان با مفاهیم حقوق کودک آشنا شوند و شیوه‌های تدریس مشارکتی را بیاموزند. یکی از مشارکت‌کنندگان اظهار داشت: «آموزش حقوق کودک بدون توانمندسازی معلم، فقط یک شعار است.» مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری:

با طراحی فعالیت‌هایی مانند پروژه‌های گروهی، مناظره‌ها و گفت‌وگوهای کلاسی می‌توان دانش‌آموزان را در یادگیری حقوق خود فعال کرد. به گفته یک معلم: «وقتی بچه‌ها در قالب نمایش یا نقاشی مفاهیم را بیان می‌کنند، بهتر آن را درونی می‌کنند.» تقویت پیوند خانواده و مدرسه در آموزش حقوق کودک:

آگاه‌سازی والدین درباره حقوق کودک از طریق بروشورها، جلسات آموزشی و مشارکت در برنامه‌های مدرسه پیشنهاد می‌شود. یکی از مشارکت‌کنندگان گفت: «اگر خانواده با ما همراه نباشد، آموزش حقوق به تعارض با تربیت سنتی می‌انجامد.» استفاده از رسانه و فناوری برای آموزش مؤثر:

تولید محتوای چندرسانه‌ای مانند ویدئوهای آموزشی، بازی‌های رایانه‌ای و پادکست می‌تواند یادگیری را جذاب‌تر کند. یک شرکت‌کننده اظهار داشت: «بچه‌ها با انیمیشن بهتر ارتباط برقرار می‌کنند تا با متن خشک کتاب.» تقویت آموزش غیررسمی و فعالیت‌های فوق‌برنامه:

فعالیت‌هایی نظیر اردوها، تئاترهای دانش‌آموزی، و کارگاه‌های خلاقانه با محوریت حقوق کودک می‌تواند یادگیری را تعمیق ببخشد. یکی از مربیان اشاره کرد: «بچه‌ها در اردوها و نمایش‌ها چیزهایی یاد می‌گیرند که از کلاس درس یاد نمی‌گیرند.» ایجاد شاخص‌ها و سازوکارهای ارزیابی پیشرفت آموزشی:

باید ابزارهایی برای سنجش تغییرات شناختی و نگرشی دانش‌آموزان نسبت به حقوق خود طراحی شود تا ارزیابی علمی‌تری از فرآیند آموزش حاصل شود. به گفته یک مشارکت‌کننده: «ارزیابی باید فراتر از آزمون کتبی باشد؛ باید دید رفتار بچه‌ها تغییر کرده یا نه.»

یافته‌های این پژوهش نشان داد که محتوای آموزشی مرتبط با حقوق کودکان در برنامه درسی رسمی جمهوری اسلامی ایران از نظر مفهومی، ساختاری و اجرایی با کاستی‌های جدی روبه‌روست. یکی از مهم‌ترین نتایج، اشاره محدود و غالباً غیرمستقیم به مفاهیم بنیادین حقوق کودک است. این مفاهیم بیشتر در قالب ارزش‌های اخلاقی مانند احترام، عدالت و نوع‌دوستی بازنمایی شده‌اند، اما اشاره‌ای نظام‌مند، آشکار و هدفمند به حقوق کودک به‌ویژه در چارچوب پیمان‌نامه حقوق کودک دیده نمی‌شود. این یافته با نتایج پژوهش Azimi (۲۰۲۲) همخوانی دارد که بیان می‌کند کتاب‌های درسی ایران اغلب مفاهیم حقوق کودک را به‌صورت نمادین و در قالب روایات اخلاقی مطرح می‌کنند و فاقد ساختار حقوق‌محور هستند.

همچنین، توزیع مفاهیم حقوق کودک در بین دروس مختلف بسیار نامتوازن است. برخی کتب مانند مطالعات اجتماعی و تفکر و سبک زندگی، سهم بیشتری در انعکاس این مفاهیم دارند، در حالی که دروسی چون علوم، ریاضی و هنر تقریباً خالی از محتوای مرتبط هستند. این بی‌عدالتی محتوایی سبب می‌شود که دانش‌آموزان تنها در محدوده‌های محدود با حقوق خود آشنا شوند و این آشنایی نیز سطحی باقی بماند. نتایج پژوهش Quennerstedt (۲۰۱۶) نیز بر این نکته تأکید دارد که گنجاندن مفاهیم حقوقی در برنامه درسی باید به‌صورت میان‌رشته‌ای انجام شود تا به‌جای تقلیل‌گرایی موضوعی، یکپارچگی یادگیری حاصل گردد.

یافته دیگر پژوهش حاضر، بازنمایی نابرابر جنسیتی در محتوای کتاب‌هاست. نقش‌های کلیشه‌ای در بسیاری از داستان‌ها و تصاویر دیده می‌شود که به‌صورت ضمنی پیام‌هایی در راستای تقویت نابرابری جنسیتی منتقل می‌کنند. این یافته با پژوهش Kianpour و Saeedi (۲۰۱۹) مطابقت دارد که تحلیل انتقادی آن‌ها از کتاب‌های درسی ابتدایی ایران نشان می‌دهد شخصیت‌های مردانه بیشتر در نقش‌های رهبری و تصمیم‌گیری، و شخصیت‌های زنانه در نقش‌های منفعل یا خانگی ظاهر می‌شوند. این بازنمایی نه تنها ناقض اصل برابری حقوق کودک است، بلکه زمینه‌ساز تداوم تبعیض جنسیتی در سطوح بالاتر جامعه خواهد بود.

در ادامه، فقدان توجه به گروه‌های خاص کودکان همچون کودکان دارای نیازهای ویژه، کودکان کار و اقلیت‌های قومی از جمله ضعف‌های محتوایی برجسته است. در حالی که یکی از اصول بنیادین آموزش حقوق کودک، شمول‌گرایی و دربرگیری تمامی گروه‌هاست (UNESCO, 2020)، یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که محتوای آموزشی ایران فاقد رویکردی جامع نسبت به تنوع فرهنگی، زبانی و اجتماعی کودکان است. این موضوع می‌تواند به حذف سیستماتیک برخی از گروه‌های آسیب‌پذیر از فرآیند یادگیری مؤثر بینجامد.

یکی دیگر از یافته‌های کلیدی پژوهش، فقدان آمادگی و آگاهی معلمان در حوزه آموزش حقوق کودک بود. بسیاری از مشارکت‌کنندگان اشاره کردند که معلمان یا آموزش کافی ندیده‌اند یا نگرش منفی نسبت به مفاهیم حقوق کودک دارند. این امر در تضاد با پژوهش‌های Covell و Howe (۲۰۰۸) و همچنین Jerome et al (۲۰۱۵) قرار دارد که بر اهمیت تربیت حرفه‌ای معلمان و تأثیر مستقیم آن بر موفقیت آموزش حقوق کودک تأکید کرده‌اند. در غیاب معلمان آگاه و توانمند، حتی بهترین محتوای درسی نیز نمی‌تواند منجر به تحقق اهداف تربیتی شود.

از سوی دیگر، در یافته‌ها به‌صراحت بیان شد که نگرش‌های ارزشی و فرهنگی سنتی، از جمله ترس از تضعیف اقتدار بزرگ‌ترها یا تفسیر نادرست از مفهوم آزادی کودک، از مهم‌ترین موانع پذیرش مفاهیم حقوق کودک در محیط مدرسه و خانواده است. این موضوع با مطالعه Sadeghi (۲۰۲۱) مطابقت دارد که نشان می‌دهد ارزش‌های سنتی در ایران، اغلب با مفاهیم نوین حقوق بشر در تعارض هستند و این تعارض در سطح آموزش عمومی نیز بازتاب یافته است. در چنین بستری، آموزش حقوق کودک با مقاومت‌های گفتمانی و ارزشی روبه‌رو می‌شود که اصلاح آن نیازمند مداخلات فرهنگی و اجتماعی گسترده‌تر است.

راهبردهای پیشنهادی استخراج‌شده از داده‌ها نشان داد که بازطراحی محتوای درسی، تلفیق رویکرد میان‌رشته‌ای، توانمندسازی معلمان، استفاده از رسانه و فناوری، و مشارکت فعال دانش‌آموزان در فرآیند یادگیری می‌تواند به‌طور چشمگیری کیفیت آموزش حقوق کودک را بهبود بخشد. پژوهش‌های بین‌المللی نیز چنین رویکردهایی را توصیه کرده‌اند. به عنوان مثال، Tibbitts (۲۰۰۲) تأکید می‌کند که آموزش مؤثر حقوق کودک نیازمند استفاده از روش‌های تعاملی، فعالیت‌محور و مبتنی بر تجربه زیسته دانش‌آموزان است.

همچنین یافته‌های این مطالعه بر اهمیت ارزیابی مؤثر و طراحی شاخص‌های سنجش یادگیری در حوزه حقوق کودک تأکید دارند. بدون وجود ابزارهای علمی و عینی برای ارزیابی میزان درونی‌سازی مفاهیم حقوق کودک در دانش‌آموزان، امکان پایش و اصلاح فرآیند آموزشی وجود نخواهد داشت. پژوهش Covell, Howe, & McNeil (۲۰۱۰) نیز نشان می‌دهد که نظام‌های آموزشی موفق در این حوزه، ابزارهای سنجشی چندبعدی شامل ارزیابی نگرشی، رفتاری و شناختی را برای سنجش تأثیر آموزش حقوق کودک به کار می‌گیرند. در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر با تأیید مطالعات پیشین، نشان می‌دهد که آموزش حقوق کودک در ایران نیازمند تحول بنیادین در سیاست‌گذاری، طراحی برنامه درسی، تربیت معلم و فرهنگ‌سازی اجتماعی است. این تحول تنها زمانی ممکن است که کودکان به‌عنوان «صاحبان حق» و نه صرفاً «گیرندگان آموزش» در فرآیند تعلیم و تربیت دیده شوند. گنجاندن دیدگاه‌ها و تجربیات کودکان در تدوین برنامه‌های درسی، توجه به تنوع اجتماعی، فرهنگی و جنسیتی، و ارتقای سواد حقوقی معلمان و والدین از گام‌های اساسی در این مسیر است.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### موازین اخلاقی

در انجام این پژوهش تمامی موازین و اصول اخلاقی رعایت گردیده است.

### شفافیت داده‌ها

داده‌ها و مآخذ پژوهش حاضر در صورت درخواست از نویسنده مسئول و ضمن رعایت اصول کپی رایت ارسال خواهد شد.

### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## References

- Alderson, P. (2000). School students' views on school councils and daily life at school. *Children & Society*, 14(2), 121–134.
- Azimi, M. (2022). A Critical Analysis of Children's Rights in Iranian Educational Content. *Journal of Curriculum Studies*, 14(3), 57–80.
- Bakhshi, R. (2023). Teachers' Perceptions of Children's Rights Education: A Case Study in Tehran. *Iranian Journal of Educational Policy*, 11(1), 33–49.
- Covell, K., & Howe, R. B. (2008). *Children, families and violence: Challenges for children's rights*. Jessica Kingsley Publishers.
- Covell, K., Howe, R. B., & McNeil, J. K. (2010). Implementing children's human rights education in schools. *Improving Schools*, 13(2), 117–132.
- Jerome, L., Emerson, L., Lundy, L., & Orr, K. (2015). *Teaching and learning about child rights: A study of implementation in 26 countries*. UNICEF Office of Research.



- Kianpour, M., & Saeedi, N. (2019). Gender Stereotyping in Iranian Primary School Textbooks: A Critical Discourse Analysis. *Journal of Gender and Education*, 15(2), 94–108.
- Lansdown, G. (2011). Every child's right to be heard: A resource guide on the UN Committee on the Rights of the Child general comment No. 12. UNICEF.
- Quennerstedt, A. (2016). Education and children's rights: A sociological perspective on the implementation of children's rights in education. *International Journal of Children's Rights*, 24(1), 23–45.
- Reynaert, D., Bouverne-De Bie, M., & Vandeveld, S. (2012). A review of children's rights literature since the adoption of the United Nations Convention on the Rights of the Child. *Childhood*, 19(4), 518–534.
- Sadeghi, M. (2021). The Challenges of Human Rights Education in Iran's National Curriculum. *Human Rights Education Review*, 4(1), 54–73.
- Tibbitts, F. (2002). Understanding what we do: Emerging models for human rights education. *International Review of Education*, 48(3–4), 159–171.
- UNESCO. (2020). *Inclusion and Education: All Means All – Global Education Monitoring Report 2020*. Paris: UNESCO Publishing.
- UNICEF. (2019). *The Convention on the Rights of the Child: The children's version*. New York: UNICEF.